

آکادمی فلسفه
مطالعات معاصر

کاری از نشر نگاه معاصر

نگار
فلسفی

پدیدارشناسی ارواح هگل

مارتین هایدگر

ترجمه‌ی عقیل فولادی



سرشناسه	: هایدگر، مارتین، ۱۸۸۹-۱۹۷۶م.	Heidegger, Martin
عنوان و نام پدیدآور	: پدیدارشناسی روح هگل / [مارتین هایدگر]؛ ترجمه عقیل فولادی.	
مشخصات نشر	: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹.	
مشخصات ظاهری	: ۲۵۹ ص.	
شابک	: 978-622-7028-96-6	
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.	
یادداشت	: عنوان اصلی: Hegels Phänomenologie des Geistes.	
یادداشت	: کتاب حاضر از متن انگلیسی با عنوان «Hegel's Phenomenology of spirit» ©1988 به فارسی ترجمه شده است.	
موضوع	: هگل، گئورگ ویلهلم فریدریش، ۱۷۷۰-۱۸۳۱م. پدیدارشناسی روح.	
موضوع	: Phänomnologie des Geistes Hegel, Georg Wilhem Fredrich Der	
موضوع	: وجدان.	
موضوع	: Conscience	
موضوع	: نفس.	
موضوع	: Spirit	
موضوع	: حقیقت.	
موضوع	: Truth	
موضوع	: پدیده‌شناسی.	
موضوع	: Phenomenology	
شناسه افزوده	: فولادی، عقیل، ۱۳۵۷.	
رده‌بندی کنگره	: B ۲۹۲۸	
رده‌بندی دیویی	: ۱۹۳	
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۴۱۴۲۳۱	

نگارخانه
نشر نگاه معاصر



مارتین هایدگر

ترجمه‌ی عقیل فولادی

پدیدارشناسی روح هگل

مارتین هایدگر

ترجمه
عقیل فولادی

نگاه‌ها

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سید کاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: پیکان

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۹

شمارگان: ۷۷۰

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۲۸-۹۶-۶

نشانی: تهران — مینی سیتی — شهرک محلاتی — فاز ۲ مخابرات — بلوک ۳۸ — واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

 nashr_negahemoaser

این ترجمه بر پایه ترجمه انگلیسی ذیل و با توجه به متن آلمانی به انجام رسیده است:

Heidegger, Martin, *Hegel's Phenomenology of spirit*, translated by Parvis Emad and Kenneth Maly, Indiana University Press, 1994.

_____, *Gesamtausgabe*, II. Abteilung: *Vorlesungen 1923–1944*, Band 32, *Hegels Phänomenologie des Geistes*, Vittorio Klostermann, Frankfurt am Main, 1997. ISBN 3-465-02922-4 Kt. ISBN 3-465-02923-2 Ln.

فهرست

- درباره ترجمه فارسی ۱۱
- مشخصات کتاب‌شناختی منابع مذکور در پانویس ترجمه فارسی ۱۲
- علائم اختصاری در ترجمه فارسی ۱۲
- پیش‌گفتار مترجمان انگلیسی ۱۳

- پدیدارشناسی روح هگل ۲۷
- مقدمه: وظیفه پدیدارشناسی روح به مثابه نخستین بخش نظام علم ۲۹
- ۱§. نظام پدیدارشناسی و نظام دانشنامه ۳۰
- ۲§. درک هگل از نظام علم ۴۱
- الف) فلسفه به مثابه «علم» ۴۱
- ب) دانش مطلق و نسبی ۴۷
- فلسفه به مثابه نظام علم ۴۷
- ۳§. اهمیت بخش اول نظام نسبت به نامگذاری هر دو عنوان آن ۵۲
- الف) «علم تجربه آگاهی» ۵۳
- ب) «علم پدیدارشناسی روح» ۶۱
- ۴§. رسالت درونی پدیدارشناسی روح به مثابه بخش نخست نظام ۶۵
- الف) به خود آمدن دانش مطلق ۶۵
- ب) برداشت‌های نادرست از مقصود پدیدارشناسی ۶۷

- پ) شرایط مباحثه انتقادی با هگل ۷۰
- ملاحظه مقدماتی ۷۵
۵۵. پیش فرض پدیدارشناسی: آغاز مطلق آن با امر مطلق ۷۵
- الف) مراحل به - خود - آمدن روح ۷۷
- ب) فلسفه به مثابه بسط پیش فرضش. پرسش درباره تناهی و مسأله داری عدم تناهی در هگل ۸۰
- پ) ملاحظات کوتاه اولیه درباره منابع، درباره اصطلاح شناسی واژه های وجود و موجود، و درباره سلوک درونی هنگام خواندن ۸۵

بخش اول: آگاهی

- فصل اول: یقین حسی ۹۳
۶۴. یقین حسی و بی واسطگی ۹۴
- الف) دانش بی واسطه به مثابه نخستین برابریستای ضروری برای ما که به نحو مطلق می شناسیم ۹۴
- ب) وجود فی نفسه و لنفسه خود موضوع و نگریستن دانش مطلق. دانش مطلق «رها - کننده» ۹۹
- پ) بی واسطگی برابریستا و بی واسطگی دانستن یقین حسی. «وجود محض» و پیش دست بودن ۱۰۶
- ت) تمایزها و وساطت در وجود محض امر بی واسطه در یقین حسی. چندگانگی نمونه های *این، *این به مثابه من و به مثابه برابریستا ۱۱۲
- ث) تجربه تمایز میان بی واسطگی و وساطت، ذات و ناذاتی در خود یقین حسی؛ *این به مثابه ذات، معنایش به مثابه اکنون و اینجا، امر کلی به مثابه ذات *این ۱۱۶
- ج) زبان به مثابه بیان امر کلی و فرد منظور - دیالکتیک و تمایز وجود شناسانه ۱۲۱
۷۵. وساطت یافتگی به مثابه ذات امر بی واسطه و حرکت دیالکتیکی ۱۲۵
- الف) نظر به مثابه ذات یقین حسی. فردیت و کلیت منظور داشتن ۱۲۵
- ب) بی واسطگی یقین حسی به مثابه ناگوناگونی من و برابریستا. اکنون منفرد ارائه شده در حرکتش به سوی امر کلی ۱۳۰

- پ) بی‌نهایتی دانش مطلق به مثابه رفع متناهی و به مثابه دیالکتیک. سرآغاز
 مواجهه با دیالکتیک هگل – عدم تناهی یا تناهی وجود..... ۱۳۳
- ت) نقطه‌های جهت‌یابی راجع به مسأله بی‌نهایتی وجود: رهایی روح از امر نسبی.
 توجیه منطقی و سوژکتیو بی‌نهایتی..... ۱۳۹
- فصل دوم: ادراک حسی**..... ۱۴۷
- ۸§. آگاهی ادراک حسی و برابریستایش..... ۱۴۷
- الف) ادراک حسی به مثابه وساطت و گذار از یقین حسی به فاهمه..... ۱۴۷
- ب) شیء به مثابه امر ذاتی در ادراک حسی. شیئیت به مثابه وحدتِ «همچنین»
 اوصاف..... ۱۵۲
- پ) وحدت طارد [= انحصاری] شیء به مثابه شرط داشتن اوصاف. اوصاف‌داری
 برابریستای ادراک حسی و امکان فریب..... ۱۵۶
- ۹§. ویژگی واسطه‌گری و متناقض ادراک حسی..... ۱۵۹
- الف) امکان فریب به مثابه بنیاد تناقض در ادراک حسی به مثابه ۱۶۰
- ب) توزیع دوسویه یک و «همچنین» متناقض شیء نسبت به ادراک به مثابه
 دریافت و تأمل..... ۱۶۳
- پ) تناقض شیء فی‌نفسه – لنفسه بودن و لغیره بودن – و ناکامی تأمل ادراک
 حسی..... ۱۶۶
- فصل سوم: نیرو و فاهمه**..... ۱۷۱
- ۱۰§. ویژگی مطلق شناخت..... ۱۷۱
- الف) شناخت مطلق به مثابه هستی – خداشناسی..... ۱۷۱
- ب) وحدت تناقض شیء در ذاتش به مثابه نیرو..... ۱۷۷
- پ) شناخت متناهی و مطلق – «نمود و جهان فراحسی»..... ۱۸۳
- ۱۱§. گذار از آگاهی به خودآگاهی..... ۱۹۳
- الف) نیرو و بازی نیروها؛ برای – خود – بودن در برای – دیگری – بودن [= بودن لنفسه
 در بودن لغیره]..... ۱۹۳
- ب) نمود بازی نیروها و وحدت قانون..... ۱۹۹
- پ) بی‌نهایتی من؛ روح به مثابه λόγος [= لوگوس] و من و خدا و ðv [= موجود].. ۲۱۱

بخش دوم: خودآگاهی

۱۲۵. خودآگاهی به مثابه حقیقت آگاهی ۲۱۷
- الف) «حقیقت یقین به خود» ۲۱۷
- ب) معنای گذار از آگاهی به خودآگاهی ۲۲۱
۱۳۵. وجود خودآگاهی ۲۲۷
- الف) حصول خود - بودن خود در استقلالش ۲۲۷
- ب) مفهوم تازه وجود به مثابه خودپایا، حیات ۲۳۴
- وجود و زمان در هگل - هستی و زمان ۲۳۴
- خاتمه ۲۴۷
- پی‌گفتار ویراستار متن آلمانی ۲۴۹
- واژه‌نامه آلمانی (نیز لاتینی و یونانی) به انگلیسی و فارسی ۲۵۵

درباره ترجمه فارسی

در این ترجمه از واژه‌های تخصصی مترادف شاید بیش از اندازه استفاده شده باشد. وجه این امر دو چیز بوده است: یکی اینکه این واژه‌ها تقریباً با آهنگ یکسانی توسط مترجمان به کار می‌روند؛ و دویگر اینکه با توجه به دشواری متن هایدگر، به نظر مترجم چنان می‌رسیده است که در یک بافت فلان معادل متن را خوانا تر می‌نماید و در بافتی دیگر مترادف آن. البته چنین کاری بیشتر در معادل‌های مشهوری شده است که معمولاً خوانندگان از آن آگاهند: مثلاً «وجود/ هستی»؛ «فی نفسه/ در خودش»؛ «لنفسه/ برای - خودش»؛ «لغیره/ برای دیگری». البته استفاده مترجمان انگلیسی از مترادف‌ها بسی بیش از ترجمه فارسی بوده است.

پرانترها معمولاً مطالبی است که در متن آلمانی بدون نشان پرانتزند ولی مترجمان انگلیسی برای روان‌سازی فهم مطالب، موارد بسیاری را در پرانتز نهاده‌اند که به همین مقصود در ترجمه فارسی نیز حفظ شدند. البته همه پرانتزها چنین نیستند و بعضاً در خود متن آلمانی چنین است. مواردی نیز در ترجمه فارسی به منظور روان‌سازی فهم متن در پرانتز نهاده شده است که در پانویس‌ها مشخص شده‌اند.

آدرس نقل قول‌های عبارات پدیدارشناسی روح بر طبق شماره بند‌های مرسوم آن کتاب در ترجمه‌های انگلیسی، در ترجمه حاضر نیز ذکر شده است و به علاوه به شماره صفحات چاپی یکی از ترجمه‌های فارسی که مشخصات کتاب‌شناختی آن در ادامه آمده است نیز ارجاع شده است. البته ترجمه‌های این عبارات الزاماً با ترجمه فارسی مذکور مطابقت ندارد.

کروشه‌های حاوی علامت مساوی از مترجم فارسی است.
توضیحات راجع به علائم اختصاری به‌کاررفته توسط مترجمان انگلیسی در مقدمه خود ایشان آمده است.
در پایان، از آقایان اکبر قنبری و امید سیدکاظمی، به ترتیب، مدیر نشر نگاه معاصر و صفحه‌آرای کتاب، تشکر می‌کنم.

عقیل فولادی

مشخصات کتاب‌شناختی منابع مذکور در پانویس ترجمه فارسی

- آشوری، داریوش، فرهنگ علوم انسانی: انگلیسی-فارسی، تهران: نشر مرکز، ۱۳۹۵، (ویراست سوم).
ارسطو، منطق ارسطو (ارگانون)، ترجمه میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، تهران: نگاه، ۱۳۷۸.
کانت، ایمانوئل، سنچش خرد ناب، ترجمه میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳، (چاپ دوم).
هایدگر، مارتین، هستی و زمان، ترجمه سیاوش جمادی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۸، (چاپ سوم).
هایدگر، مارتین، هستی و زمان، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی، ۱۳۸۹، (چاپ اول).
هگل، گ. و. ف.، پدیدارشناسی جان، ترجمه باقر پرهام، تهران: کندوکاو، ۱۳۹۰، (چاپ دوم).

علائم اختصاری در ترجمه فارسی

*به جای حرف تعریف مورب در آلمانی و انگلیسی.

*به جای حرف تعریف نامورب.

[*...*] عبارت جاافتاده در ترجمه انگلیسی.

م.ا: مترجمان انگلیسی.

م.ف: مترجم فارسی.

M: ترجمه انگلیسی میلر از پدیدارشناسی روح.

P: ترجمه انگلیسی پینکارد از پدیدارشناسی روح.

I: ترجمه انگلیسی اینوود از پدیدارشناسی روح.

پیش‌گفتار مترجمان انگلیسی

اثر حاضر ترجمه انگلیسی [م.ف: واکتون فارسی] کتاب مارتین هایدگر، یعنی پدیدارشناسی روح هگل است - جلد ۳۲ از Gesamtausgabe (چاپ کامل) - که شامل درس‌گفتار ارائه‌شده توسط هایدگر در دانشگاه فرایبورگ در طول نیم‌سال زمستانی ۱۹۳۰/۳۱ است. چاپ آلمانی، ویراسته Ingtraud Görland، در ۱۹۸۰ توسط Vittorio Klostermann Verlag منتشر شد.

متن این درس‌گفتار در میان آثار هایدگر درباره هگل، جایگاهی مهم دارد. چند بحث اساسی درباره هگل - در بخش ۸۲ از هستی و زمان و در رساله‌های «مفهوم تجربه از نظر هگل»^۱ و «هگل و یونانی‌ها»^۲ - همچون تحلیل‌های مختصر درباره هگل، در سرتاسر آثار هایدگر پخش شده‌اند. ولی متن حاضر اساسی‌ترین برداشت تاکنون منتشرشده هایدگر از هگل است. این درس‌گفتار، با چشم‌پوشی از مقدمه و پیش‌گفتار اثر هگل، بخش‌های A («آگاهی») و B («خودآگاهی») پدیدارشناسی روح را شرح می‌دهد.^۳ ویژگی متن: قرائت. آنچه متن ذیل را متمایز می‌کند، جدای از شرح به معنای رایج، این واقعیت است که هایدگر در این درس‌گفتار قرائت ساده بخش‌های A و B از

1. Cf. Martin Heidegger, *Holzwege*, Gesamtausgabe, Band 5 (Frankfurt: Vittorio Klostermann Verlag, 1977), pp. 115-208; trans. *Hegel's Concept of Experience* (New York: Harper and Row, 1970).

2. Cf. Martin Heidegger, *Wegmarken*, Gesamtausgabe, Band 9 (Frankfurt: Vittorio Klostermann Verlag, 1976), pp. 427-44.

۳. م.ا: هایدگر بر این بخش‌ها تمرکز می‌کند زیرا دقیقاً در آنهاست که گسترش بیشتر و غلبه بر موضع کانت در نقد عقل محض رخ می‌دهد. بسنجید در این باره با خاتمه ویراستار بر مجلد حاضر.

پدیدارشناسی روح را ارائه می‌کند. اگر به قرائت هایدگر از هگل از بیرون بنگریم، بی‌آنکه آنچه واقعاً در آن برملا می‌شود، به حساب آوریم، می‌توان آن را تفسیر فصل‌های «یقین حسی» و «ادراک حسی» و «نیرو و فاهمه» و «خود آگاهی» دانست. ولی آنچه عملاً در این قرائت مفسرانه هویداست آشکار شدن دقیق و موşkافانه حرکت اندیشه است که «پدیدارشناسی روح» نامیده می‌شود. این قرائت، پدیدارشناسی روح را همچون اندیشیدنی آشکار می‌کند که خودش را به شیوه‌ای تدریجی و همواره آگاهانه و همواره متکی به خود گرد می‌آورد. بسط شکل‌گیری این گردآوری «پدیدارشناسی روح»، سادگی قرائت هایدگر را مشخص می‌کند.

آنچه در متن ارائه‌شده حاضر در ترجمه می‌خوانیم تأسیس یک موضع یا بیان برتری فکری‌ای نیست که برای امتیاز گرفتن له یا علیه هگل سر درآورده باشد. مفسر آن بخش‌های پدیدارشناسی روح در اینجا قرائتی را می‌یابد که در آن، فرایند پدیدارشناسی روح باز زنده می‌شود. اینکه هایدگر چنین قصدی داشت – به جای بررسی تفسیرهای گوناگون اندیشه هگل – از آنجا معلوم می‌شود که وی فضای محدودی به بحث از آثار درباره هگل اختصاص می‌دهد. فرایند پدیدارشناسی روح می‌تواند باز به نحو مستقل از برداشتی مشروح و تمام و کمال از منابع هگلی فعال شود. هم‌چنانکه کار اندیشه‌ورزی به پیش می‌رود، و هم‌چنانکه ما جذب حرکت اندیشه‌ورزی می‌شویم، بیش از پیش روشن می‌شود که وابستگی این حرکت به منابع گسترده و روبه رشد درباره هگل چقدر اندک است.

این بدان معنا نیست که تخصص هگل باید فدا شود. بلکه قرائت هایدگر در ضربه نیرومندی از درون نشان می‌دهد که چطور لازم است که سرآغاز قرائت ما از پدیدارشناسی روح، مقدم بر، و مستقل از، مجادله پدیدآمده توسط منابع ثانویه درباره آن اثر باشد. آنچه ما از نمونه فراهم شده توسط هایدگر می‌آموزیم آن است که حرکت اندیشه که همچون شرط لازم کنار آمدن با پدیدارشناسی روح رخ می‌دهد باید هر دفعه از نو آغاز شود. به جای دنبال کردن اینکه این و آن درباره این اثر چه گفته‌اند، خواننده باید قرائت خودش را بی‌آغازد. آنچه این قرائت را از تنزل به برداشت سوپژکتیوی از پدیدارشناسی روح حفظ می‌کند، مرجعیت منابع ثانویه نیست، بلکه ویژگی ذاتی این اثر به مثابه یک اثر اندیشه‌ورزی است.

سادگی قرائتی که در اینجا نامعلوم است و حرکتی که این قرائت باید پدید آورد تنها آن‌گاه به دست می‌آید که پدیدارشناسی روح، اثر اندیشه‌ورزی تلقی می‌شود. عبارت «اثر اندیشه‌ورزی» نباید همچون سخن کلیشه‌ای بد - فهمیده شود که براساس آن پدیدارشناسی روح می‌تواند محصول کوشش‌های عقلی هگل تلقی شود. عبارت «اثر اندیشه‌ورزی» اشاره می‌کند به اثر - ویژگی اثر پدیدارشناسی روح، به $\epsilon\kappa\upsilon\omega\nu$ [= کنش] آن، که هرگز در صرف قرائت متن، تجربه نمی‌شود.^۱ مهم است به یاد داشته باشیم که این $\epsilon\kappa\upsilon\omega\nu$ (که خواننده متوجه در آن شرکت می‌کند) چیزی افزوده به اثر به مثابه تکمله نیست. یک اثر فلسفی مثل پدیدارشناسی روح هگل به مثابه آن $\epsilon\kappa\upsilon\omega\nu$ ی است که از درون خودش روشن می‌شود.

اولویتی که هایدگر به اثر به مثابه اثر اندیشه‌ورزی اسناد می‌دهد به ما کمک می‌کند که بفهمیم چرا توصیف آشنای پدیدارشناسی روح به منزله محصول کوشش‌های عقلی هگل اصلاً بسنده نیست. هنگامی که اثر را محصول کوشش عقلی هگل تلقی می‌کنیم، بی‌درنگ با این پرسش مواجه می‌شویم: هگل کیست؟ آیا وی نقطه مرکزی یک خروار پژوهش‌های زندگی‌نامه‌نویستی است؟ امر اساساً ایرادپذیر در این توصیف آن است که باب ارزیابی اثر بر اساس زندگی‌نامه را می‌گشاید - براساس ارتباط میان اثر و زندگی. ما با ملاحظه اثر به مثابه پیامد جانبی زندگی، آن را به زائده سوبژکتیویته فرومی‌کاهیم، و بدین‌سان، راه دسترس به $\epsilon\kappa\upsilon\omega\nu$ (به آنچه به پیش می‌رود)، را، که در واژه اثر [= work] خلاصه می‌شود، می‌بندیم.

بهتر است که چند معنای واژه اثر را تفکیک کنیم - و همراه آن، موضوع‌های ریشه‌ای ملازم گنجیده در آن را: ۱) اثری که ما به مثابه محصول کوشش‌های هگل داریم، ۲) اثر به مثابه کتابی که ما داریم (پدیدارشناسی روح به مثابه یک متن - اثر)، ۳) اثر اندیشه‌ورزی که در متن - اثر مذکور به پیش می‌رود، یعنی اثر اندیشه‌ورزی‌ای که قرائت متوجهانه ما می‌تواند در آن مشارکت کند. هایدگر نخستین معنای اثر - به مثابه محصول - را به مثابه فرعی و نامربوط و کاملاً خارجی نسبت به حرکت اندیشه‌ورزی‌ای که قرائت وی در پی برانگیختن آن است کنار می‌گذارد. دومین معنای اثر - به مثابه متن - اثر -

۱. م. ا. R. G. Collingwood در (Autobiography (Oxford: Oxford University Press, 1970), pp. 40f.

چند اظهار نظر جالب درباره ناپسندگی اساسی خواندن صرف یک متن دارد.

هرگاه که هایدگر به اثر به مثابه متن ارجاع می‌دهد مطرح می‌شود. سومین معنای اثر به مثابه فرایند، به مثابه حرکت اندیشه‌ورزی، موضوع ریشه‌ای است و برای کار هایدگر در این درس‌گفتار، اساسی است. به سبب سبک خاص به‌کاررفته در آلمانی - یعنی الزاماً ایتالیک نبودن عناوین کتاب‌ها - این دو معنای اخیر (آنهايي که واقعاً با قرائت هایدگر رابطه دارند) در چاپ آلمانی تفکیک نمی‌شوند: «پدیدارشناسی روح» (ایتالیک‌نشده در آلمانی) می‌تواند به کتاب پدیدارشناسی روح اشاره کند یا به فرایند یا حرکت «پدیدارشناسی روح». ما برای به دست دادن ترجمه انگلیسی موافق با سبک انگلیسی معیار، ناچار بوده‌ایم در هر مورد تعیین کنیم که کدام یک از دو معنا مقصود است. این امر موضوع تفسیر است، کاری که چاپ آلمانی می‌تواند از آن بهره‌برد.

ما برای دیدن اصالت اثر، باید پا را از میراث رمانتیسم و تاریخ‌باوری^۱ فراتر گذاریم، که میان زندگی و اثر، همبستگی مستقیمی را مسلم می‌گیرد و اثر را به تحقق سوژکتیویته انسانی فرومی‌کاهد. هنگامی که هایدگر درس‌گفتاری را دربارهٔ ارسطو آغازید، به جای ارائهٔ شرح رایج از زندگی فیلسوف، فقط گفت: «ارسطو زاده شد و کار کرد و مرد».^۲ پس وی تلویحاً می‌گوید که داده‌های زندگی‌نامه‌ای، نقطهٔ آغاز مطمئنی برای ورود به اثر یک فیلسوف در اختیار نمی‌نهند. هر دیدگاهی که پندارد زندگی، اثر را تأیید می‌کند، تبیینی است که دربارهٔ اثر ارائه‌شده است نه اینکه کوششی برای گلاویز شدن با نوآوری آن باشد. مفهوم «تاریخ تکامل یک اثر در جریان گسترش زندگی نویسنده» گرایش دارد که [ما را] از آنچه در اثر روی می‌دهد بیراه کند - یعنی مفهومی گمراه‌کننده است. فرض بررسی‌نشده دربارهٔ ماهیت اثر به مثابه محصول فرعی زندگی، گونه‌ای ماست مالی اثر است به جای اینکه با ویژگی اصیل آن از در آشتی درآییم. این تبیین، مخفیانه گرایش دارد که توانایی پرسشگرانهٔ اثر را نابود کند.

هم‌چنانکه هایدگر به اصالت اثر به مثابه اثر اندیشه‌ورزی برمی‌گردد، هم‌چنانکه وی خواستار آن است که خواننده به جای میل به نهادن اثر در کنار دیگر ویژگی‌های زندگی‌نامه‌ای نویسنده، توسط εἰς (که اثر است) هدایت شود، خواننده را به معیت اصیل اندیشه‌ورزی و پرسشگری برمی‌گرداند. بدین سان، هایدگر برای همبستگی زندگی و اثر، به اهمیت استقلال اثر به مثابه اثر اندیشه‌ورزی اشاره می‌کند.

1. historicism

2. Cf. Walter Biemel, *Martin Heidegger* (Hamburg: Rowohlt Verlag, 1975), pp. 14ff.

مسلماً ساده‌لوحانه است که بخواهیم با بازگشت به حوادث زندگی هگل درینا قبل از ۱۸۰۷، چیزی را در پدیدارشناسی روح شرح دهیم. برای فهم آنچه در این اثر در جریان است، کنجکاوی دربارهٔ زندگی هگل در آن دوره، راهنمای بدی است. بلکه این پدیدارشناسی روح به مثابه یک اثر است که آن زندگی را زندگی هگل ساخته است. پدیدارشناسی روح، به مثابه اثر اندیشه‌ورزی، در خودش ماندگار است: استقلال آن مانع تبیین‌های خارجی و زندگی‌نامه‌ای است. بجاست که عجبالتاً درنگ کنیم و پدیدارشناسی روح را همچون چیزی در نظر بگیریم که در میان حوادثی که زندگی هگل را درینا ساختند طالب «توجه» وی بود. چه چیزی در کار [= اثر] پدیدارشناسی روح رخ می‌دهد که این زندگی را زندگی هگل ساخته است؟ آیا کار عمده با پدیدارشناسی روح نیست که زندگی را با نشان هگلی مهر می‌زند؟ پاسخ این پرسش باید برآمده از عرضهٔ مستقیم به *ἐξ ὧν* [= کنش] اندیشه‌ورزی باشد، که به مثابه پدیدارشناسی روح، در زندگی هگل راهنمایی می‌کند. این سخن حاکی از آن است که ما برخلاف دیدگاه‌های رمانتیک و تاریخ‌باورانه باید زندگی را در پرتو اثر ببینیم. اگر متکفل پرسش‌هایی شویم که خود ساختار پدیدارشناسی روح (یا پدیدارشناسی روح) را می‌سازند، به ساحتی راه می‌یابیم که از آنجا تاریخ مکتوب زندگی هگل (زندگی‌نامه‌اش) در پرتوی نو نمودار می‌شود. از چنان ساحتی است که سخن هایدگر را می‌فهمیم آنگاه که می‌پرسد: «آیا چنان نیست که اثر، تفسیر زندگی‌نامه را میسر می‌سازد؟»^۱ این پرسش هشدار است که اثر را نباید پیامد جنبی زندگی دید، بلکه همچون نوری مرکزی است که امکان‌ها و حتمیت‌هایی را که زندگی نامیده می‌شوند تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و آنها را تنظیم می‌کند.

ویژگی مستقل و تام اثر اندیشه‌ورزی، برای اثر خود هایدگر اساسی است و بر آثار دیگران نیز اطلاق می‌شود. برای حفظ این ویژگی مستقل و تام و برای تأکید بر لزوم دریافت اثر چنانکه خواستار اندیشه‌ورزی شخص در بی‌واسطگی آن است، جلدهای *Gesamtausgabe* [= چاپ کامل] هایدگر بدون مقدمهٔ تفسیری و شرح منتشر می‌شوند. این نکته‌ای مهم است و با ویژگی متن حاضر رابطه‌ای مستقیم دارد. پس لازم است مختصراً در اینجا بدان پرداخته شود.

1. Martin Heidegger. Lettre à J. M. Palmier (1969), in M. Haar (ed.), *Martin Heidegger* (Paris: Cahier de l'Herne, 1983), p. 117.

هنگامی که ما به یک اثر اندیشه‌ورزی می‌رسیم، نباید دربارهٔ آنچه در مقام قرائت اثر در انتظار ماست هیچ توهمی پیروانیم. اگر در آسایشی پناه بجویم که یک مقدمه یا شرح مختصر فراهم می‌کند، با اثر گلاویز نخواهیم شد. ما یا آمادهٔ مواجهه با کار با همهٔ لوازم آن هستیم، یا اصلاً هنوز آماده نیستیم. هیچ مقدمهٔ تفسیری یا شرحی این سخن را دگرگون نمی‌کند. ما باید با خودمان روراست باشیم. اثر اندیشه‌ورزی، بیش از هر چیزی دیگر نیازمند روراستی است. چنین روراستی‌ای پیشاپیش می‌داند که طرح بغرنج مقدمه نمی‌تواند بر مواجههٔ واقعی با اثر اندیشه‌ورزی غلبه کند. ما باید با اثر چنانکه هست رویه‌رو شویم. اگر در این امر ناکام بمانیم، و اگر بروفق پیشنهادهای انجام‌شده در مقدمه به اثر درآییم، این خطر را پذیرفته‌ایم که بعداً بدانیم که آن پیشنهادها نسبت به آن اثر، جنبی و خارجی و نامناسب‌اند؛ و لذا باید تصحیح شوند. ولی چون تصحیح آن دیدگاه‌ها و پیشنهادها با درآمدن به خود اثر محقق می‌شود، چرا در وهلهٔ نخست با خود اثر نیاغازیم؟ لذاست که جلد‌های *Gesamtausgabe* آثار هایدگر، با مقدمه یا شرح فشرده تکمیل نمی‌شوند. در عوض، خواننده باید در آزادی‌ای که اثر در آن به مثابه اثر اندیشه‌ورزی ارائه می‌شود، با اثر رویه‌رو شود. این آزادی حفظ نمی‌شود اگر اثر معمایی تلقی شود که انتظار می‌رود راه حل‌های اساسی آن در مقدمه یا شرحی فشرده یافت شوند.

متن پدیدارشناسی روح هگل، بدون مقدمه یا شرحی فشرده انتشار می‌یابد، چون چیزی نباید میان این اثر و خوانندگانش بایستد، خوانندگانی که در اثر اندیشه‌ورزی با توجه کامل در آن مشارکت می‌کنند. متن حاضر به چنان شرح یا مقدمه‌ای نیاز ندارد، زیرا ویژگی این متن – به مثابه قرائتی که در حرکت اثر اندیشه‌ورزی که برای ما در متن – اثر فراهم می‌شود مشارکت می‌کند – بیش از هر چیز دیگر، نامناسبی چنان مقدمه‌ای را ثابت می‌کند. هیچ شکی نیست که، اگر مقدمه به اثری افزوده شود، شیوهٔ خاص قرائت اثر، پیشنهاد می‌شود. ولی این شیوهٔ خاص قرائت اثر، تنها شیوهٔ خواندن آن اثر نیست. یک مورد فوق‌العاده و استثنائی – ولی معهداً بجا – ترجمهٔ فرانسوی ژاک دریدا^۱ از *Ursprung der Geometrie* هوسرل است. هنگامی که دریدا ترجمه‌اش از این اثر را با مقدمه و شرح تکمیل می‌کند، شیوهٔ خاص قرائت این اثر را پیشنهاد می‌کند، که مسلماً تنها شیوهٔ خواندن آن نیست. شایستگی‌های شرح دریدا هرچه باشند – و مسلماً شایستگی‌هایی

دارد - شکی نیست که مقدمه و آراء وی میان خواننده و اثر هوسرل می‌ایستد. به عکس، می‌توان گفت: نبود مقدمه در چاپ اصلی پدیدارشناسی روح هگل، استقلال اثر اندیشه‌ورزی را حفظ می‌کند، به طوری که آن در فضای آزادی رخ می‌دهد که برای شکوفایی خود اثر لازم است.

کشاکی ترجمه. ویژگی اثر اندیشه‌ورزی، چه پدیدارشناسی روح به قلم هگل چه پدیدارشناسی روح هگل به قلم هایدگر، عمدتاً در زبان اثر نمایان می‌شود. این زبان در هر دوی هگل و هایدگر ویژگی یگانه‌ای را به خود می‌گیرد. برای گفتن آنچه لازم است گفته شود، هر دوی هگل و هایدگر به زبانی دشوار و دقیق سخن می‌گویند که ورای زبان سنتی فلسفه است. در این قلمرو تازه‌ای که زبان می‌پیماید، هم‌چنانکه در آثار هگل و هایدگر شکل می‌گیرد، خود اندیشه‌ورزی وارد قلمروهای تازه‌ای می‌شود. آسان می‌توان هگل و هایدگر را به اخذ سنجه‌های نامناسب زبانی متهم کرد و اینکه تعمداً می‌خواهند مبهم و غامض و نامشخص باشند. این اتهام برآمده از بی‌میلی نسبت به اذعان به این مطلب است که زبان در هر دو فیلسوف قلمروهای تازه‌ای اندیشه‌ورزی را نمایان می‌سازد. اگر ضرورت آنچه را که این فیلسوفان می‌خواهند ببیندیشند دریابیم، اذعان می‌کنیم که آنان نمی‌توانند آنچه می‌اندیشند، بدون بیان آن به شیوه خودشان، بگویند.

ولی دقیقاً این لازمه، که اثر اندیشه‌ورزی، هم‌زمان با شکل‌گیری زبان در اندیشه‌ورزی، در هر دوی هگل و هایدگر قرار می‌دهد، گهگاه به دشواری‌های عملاً حل‌نشدنی برای مترجم می‌انجامد. دشواری‌ها در ترجمه هگل و هایدگر بیشتر در مقام اشاره - در زبان دیگر - به قلمروهایی پیش می‌آید که این اندیشمندان گشوده‌اند. نیازی به گفتن نیست که قاعده عام یا روشی کلی برای انجام این کار نیست. ورای کش و قوس دادن منابع موجود یک زبان، برای اینکه با نیازهای آنچه ترجمه می‌شود سازگار شود، ما در مقام مترجمان در فکر حوزه‌ها یا قلمروهایی هستیم که این اثر می‌گشاید. (میل به پرداختن بسنده به این دشواری‌ها ما را واداشت که با ترجمه فرانسوی این جلد، به قلم امانوئل مارتینو،^۱ به دقت کار کنیم.)^۲

1. Emmanuel Martineau

2. Martin Heidegger, La «Phénoménologie de l'esprit» de Hegel, trans. E. Martineau (Paris: Éditions Gallimard, 1984).

ما با آگاهی از این دشواری‌ها و با توجه به اینکه بگذاریم این دشواری‌ها برای خواننده این ترجمه انگلیسی طنین انداز شوند، در اینجا تأمل‌های ذیل را درباره کشاکش‌های مهمی که در کار ترجمه ما رخ داده‌اند و اینکه چگونه به حل آنها پرداخته‌ایم، ارائه می‌کنیم:

۱. چنانکه گذشت، عبارت «die Phänomenologie des Geistes» در چاپ آلمانی بدون ایتالیک آمده است. اشاره آن گاهی به متن هگل است و یک عنوان است؛ و گاهی به فرایند یا حرکت اندیشه‌ورزی‌ای اشاره می‌کند که در حال انجام است: پدیدارشناسی روح به مثابه خود اثر [= کار، work] اندیشه‌ورزی. ما در هر مورد کوشیده‌ایم که مشخص کنیم کدام معنای عبارت عملی است. در این ترجمه، *Phenomenology of Spirit* (به نحو ایتالیک و با حروف بزرگ) [در ترجمه فارسی، به نحو ایتالیک: پدیدارشناسی روح] مسلماً به متن هگل اشاره می‌کند، ولی عبارت «the phenomenology of spirit» (بدون ایتالیک و با حروف کوچک و بدون علامت نقل قول) [در ترجمه فارسی، بدون ایتالیک: پدیدارشناسی روح] به آن حرکتی در اندیشه‌ورزی اشاره می‌کند که اثر پدیدارشناسی روح است. (همین مسأله و تمایز و راه حل به منطق – متن هگل – و «منطق» – حرکت منطق در اثر اندیشه‌ورزی – اطلاق می‌شود.) ما آگاهییم که این روال، عاری از تفسیر نیست و وانگهی، بدین سان تمایزی می‌نهمیم که چاپ آلمانی – و شاید حتی خود هایدگر – نهاده است یا نیاز به آن نداشته است. (آیا اثر اندیشه‌ورزی که ما خوانندگان در آن مشارکت می‌کنیم بیشتر با تمایزی می‌سازد یا بدون آن؟)

۲. ما با توجه به ترجمه فرانسوی هر از چندی مرزهای پاراگراف را دگرگون کرده‌ایم تا متن را روان‌تر و خواندنی‌تر سازیم.

۳. کاربرد حروف ایتالیک در ترجمه با چاپ آلمانی متفاوت است. حروف ایتالیک در متن اصلی هایدگر برای تأکید بر امور خاصی در بافت بیان شفاهی هستند و برای متن مکتوب چندان مناسب نیستند. وانگهی حروف ایتالیک، جزء زیانند و باید بر وفق ویژگی‌های زبان خاص به کار روند. لذا حروف ایتالیک ما همواره همان‌هایی نیستند که در متن هایدگر آمده‌اند. ما گاهی دیده‌ایم که نمی‌توانیم حروف ایتالیک را در برگردان انگلیسی بخردانه منتقل کنیم. از سوی دیگر، دیده‌ایم که گاهی انگلیسی نیازمند حروف ایتالیک است برخلاف آلمانی. پس در برخی موارد، به‌کارگیری حروف ایتالیک ما

متفاوت با اصل آلمانی است که براساس فهم ماست که کاربرد حروف ایتالیک صرفاً جنبه‌ای فنی نیست که به نحو مستقل از زبان خاصی باشد، بلکه جزء و بخش خود زبان، یعنی یکی از نشانه‌های آن است.

۴. ما از ترجمهٔ پدیدارشناسی روح هگل به قلم میلر^۱ استفاده کرده‌ایم؛ البته با تصرف‌هایی. گاهی لازم دیده‌ایم که از اصطلاح‌شناسی انگلیسی هگل – مثلاً آنهایی که میلر استفاده کرده است – دور شویم زیرا ناچار بوده‌ایم که برگردان وی را با سیاق اثر هایدگر با متن هگل، و لذا با سیاق ترجمه‌مان، سازگار کنیم.

۵. با توجه به این موضوع‌های گوناگون به طور کلی و در این بافت، تأمل‌های ذیل را دربارهٔ کشاکش‌های مهم در واژه‌های تکی ارائه می‌دهیم:

absolvent [= رها - شونده، رها - کننده]. هیچ معادل انگلیسی برای این واژه یافت نمی‌شود. البته در واقع واژه‌ای آلمانی هم نیست. واژهٔ *absolvent* برای کاری که هایدگر با متن هگل انجام می‌دهد حیاتی است. لذا ما این واژه را در ترجمه‌مان نگه داشتیم، بی‌آنکه به طور کامل امکان‌های ارائه‌شده توسط واژه‌های انگلیسی‌ای مثل «detachment» [= جداسازی، جداشدگی] یا «the act of detaching» [= عمل جداسازی] را نادیده بگیریم. واژهٔ *absolvent* باید از «the absolut» (das Absolute) [= امر مطلق] متمایز شود. مثلاً *absolvent knowing* همواره حامل چند معنای ضمنی است: در فرایند رهاشدگی / جداشدگی، در فرایند امر مطلق، مطلق شدن.^۲

aufzeigen [= نشان دادن]. در سرتاسر این ترجمه ما به جای این واژه، «showing up»^۳ نهاده‌ایم – و نه «pointing out» چنانکه معمولاً انجام می‌شود. برای ما چنین می‌نماید که اصطلاح «showing up» بهتر فرایند نمودارسازی، آشکارسازی، جلوه‌گری را بیان می‌کند – که برای هگل و برای قرائت هایدگر از هگل دارای بیشترین بستگی است.

dieses [= این] و *diesig*. واژهٔ آلمانی معمولی *dieses* در متن هگل برای دلالت بر این

1. A. V. Miller

۲. م. ف: در ترجمهٔ فارسی، گاه «رها - شونده» و گاه «رها - کننده» و گاه هر دو محتمل دانسته شده، «رها - کننده / شونده» آمده است. موضوع، باز است.

۳. م. ف: البته از *exhibiting* نیز برای حالت اسمی واژهٔ مذکور، یعنی *das Aufzeigen* [= ارائه]، در ترجمهٔ انگلیسی استفاده شده است.

امریه کار می‌رود که وی می‌خواهد چیزی را بیندیشد که هنوز به شیوه‌های سنتی اندیشه‌ورزی دربارهٔ یک شیء، اندیشده نشده است. هنگامی که هگل می‌گوید «*dieses*»، می‌خواهد یک شیء را چنان بیندیشد که آن شیء در راه ایژه شدن برای آگاهی است. هنگامی که هایدگر واژه‌های «*diesig*» یا «*das Diesige*» را به کار می‌برد، همین فرایند را بازنگری می‌کند و می‌بیند که «*dieses*» یک شیء بودن باید ویژگی یک *dieses* را داشته باشد، باید *diesig* باشد. فقط بدین سان یک شیء می‌تواند در راه ایژه شدن برای آگاهی باشد. لذا ما *diesig* را «ویژگی یک این داشتن» ترجمه کرده‌ایم. (تبیین‌های مشابهی می‌توان دربارهٔ اصطلاح‌های دیگر، مثل *hiesig* و *ichlich* ارائه داد.)

einzel [= جزئی]. در زبان انگلیسی دو امکان هست: *particular* [= جزئی] یا *individual* [= فردی]. شاید تفاوت ظریف هریک از این واژه‌ها در انگلیسی بیشتر موضوع سبک باشد تا چیز دیگر. ما *einzel* را به «*particular*» ترجمه کرده‌ایم، هرچند آگاهی که برخی موارد مقتضی واژه *individual* است. *gleichgültig*. تشخیص ما این است که هگل این واژه را در دو معنا به کار می‌برد: همچون *indifferent* [= بی‌اعتنا] و همچون *with equal weight or force* [= هم‌سنگ]. در هر مورد یکی از اینها را برگزیده‌ایم، در حالی که کوشیده‌ایم به ضرورت این تمایز واقف باشیم.^۱

das Meine, *das Meinen* (meinen) اولاً، *das Meinen* و *meinen* گاهی می‌توانند به «*meaning*» [= معنی] انگلیسی ترجمه شوند، ولی اغلب به «*intending*» [= نظر، منظور داشتن] ترجمه می‌شوند. ما هر دو واژه انگلیسی را به کار برده‌ایم. ثانیاً حفظ ارتباطی که این واژه‌ها در ریشه آلمانی‌شان دارند در ترجمه انگلیسی محال است. خواننده فقط باید به یاد داشته باشد که این واژه‌ها در آلمانی هم‌ریشه‌اند.

die Mitte [= میانه]. این برای هگل اصطلاح فنی اساسی است. این اصطلاح ما را با دشواری خاصی مواجه می‌سازد، از این حیث که خواندنی‌ترین ترجمه انگلیسی — «*middle term*» [= حد وسط] — حاوی تفاوت ظریف احياناً گمراه‌کننده‌ای است.

۱. م. ف: تا جایی که یافته‌ام در ترجمه انگلیسی کتاب حاضر برای *gleichgültig* از معادل نخست، یعنی «*indifferent*» استفاده شده است و یک بار نیز از *all the same* [= علی‌السویه] و *with equal weight* در یک مورد آمده است که معادل *gleichgewichtig* است نه *gleichgültig*.

ما می‌توانستیم «middle» یا «midpoint» یا «mid-point» را برگزینیم. با تردید بسیار، گاهی *die Mitte* را به «middle term» برگردانده‌ایم، با آگاهی از این خطر که زبان گرایش دارد که کشمکش و حرکت در اندیشه هگل درباره «*die Mitte*» را به ارتباط منطقی فروکاهد - که بدین سان، روی ویژگی تجربی پدیدارشناسی روح را می‌پوشاند، ویژگی‌ای که اثر هگل بر عهده می‌گیرد و قرائت هایدگر از اثر هگل ما خوانندگان را بدان فرامی‌خواند.

rein. ما امیدواریم که ترجمه *rein* به «sheer» [= صرف] به جای «pure» [= محض] میسر سازد که به مقصود هگل نزدیک‌تر شویم. برای ما چنین می‌نماید که واژه انگلیسی *sheer* ویژگی مطلق فرایندی را که هگل در سر داشت بهتر بازمی‌تاباند.

wahrnehmen و *die Wahrnehmung*. این واژه‌ها معمولاً به ترتیب به «perceiving» [= ادراک] و «perception» [= ادراک حسی] ترجمه می‌شوند. ما نیز چنین کرده‌ایم. ولی در برخی موارد اساسی عبارت بیشتر لغوی را یعنی «taking for true» [= دریابنده امر] حقیقی^۱ به کار برده‌ایم تا ریشه معنای *wahr-nehmen* را هویدا سازیم. واژه انگلیسی *perception* متضمن این معناست، ولی صریح نیست. *wahr-nehmung* به مثابه «taking for true» برای هگل و هگل خوانی هایدگر دخل محوری فلسفی دارد.

wissen. این اصطلاح در هگل گاه به فرایند دانستن و گاه به خود دانش اشاره می‌کند. لذا ما *wissen* را گاه به «knowing» [= دانستن] و گاه به «knowledge» [= دانش] تعبیر کرده‌ایم. باز این هر از چندی موضوع تفسیر می‌شود، در حالی که در چاپ آلمانی - و شاید نزد خود هایدگر - لازم نبود چندان صریح شود. (توجه: ما واژه آلمانی *Erkenntnis* را به «cognition» تعبیر کرده‌ایم، دقیقاً بدان سبب که واژه‌های انگلیسی *knowing* و *knowledge* را برای *wissen* حفظ کنیم.)

zugrundegehen [= نابود شدن]. ما دیدیم که این واژه نزد هایدگر به اندازه *aufheben* نزد هگل متنوع است. لذا آن را به تفاریق، به «running aground» و «going under» و «being annihilated» تعبیر کرده‌ایم.

جنبه‌های فنی متن در ترجمه. همه افزوده‌های مترجمان به متن آلمانی درون قلاب [] هستند، از جمله اطلاعاتی که در پانویس‌ها افزوده شده‌اند.^۱ واژه‌های آلمانی مهم و

۱. م. ف: در آغاز پانویس‌ها مشخص شده‌اند که از مترجم فارسی هستند یا مترجمان انگلیسی.

مسأله‌دار که ما صلاح دانسته‌ایم در بدنه اصلی متن نگه داریم نیز در قلابند.^۱ نشانه‌های { } برای تمییز افزوده‌ها یا حاشیه‌های هایدگر در نقل قول‌ها، به کار می‌روند.

پانویس‌های چاپ آلمانی در پایین صفحه هستند و پیاپی از آغاز هر بخش اصلی شماره‌گذاری می‌شوند – پیرو متن آلمانی.^۲ پانویس‌های مترجمان در پایین صفحه در قلابند و با ستاره مشخص می‌شوند. پانویس‌های مشخص شده با ستاره و بدون قلاب، حاوی اطلاعاتی هستند که در خود متن در چاپ آلمانی منتشر شده‌اند. شماره‌ها در عنوان‌های پیاپی به صفحه‌بندی چاپ آلمانی مربوطند.

ارجاع‌ها به متون هگل. ما در تلاش برای روشن‌سازی اینکه در متن هایدگر به کدام متن هگل (و کدام چاپ) ارجاع شده است و نیز برای ارجاع مناسب و بسنده به ترجمه‌های انگلیسی این متون هگلی، در همه ارجاع‌های پانویسی به شیوه ذیل اقدام کرده‌ایم:

۱. ارجاع‌هایی را که در چاپ آلمانی آمده‌اند مثل آن آورده‌ایم. هنگامی که صرفاً عدد رومی و شماره صفحه است، ارجاع به مجلدات Gesamtausgabe هگل از ۱۸۳۲ به بعد است، که هایدگر اغلب اوقات بدان ارجاع می‌دهد. Jubiläumsausgabe بعدی و دسترس‌پذیرتر در حاشیه‌هایش جلد و شماره صفحه چاپ ۱۸۳۲ را نقل می‌کند.

۲. ارجاع‌هایی که در این ترجمه افزوده می‌شوند و با «GW» شناسایی می‌شوند، به Gesammelte Werke هگل اشاره می‌کنند که به وسیله Hegel-Archiv از طریق Felix Meiner Verlag منتشر شد.

۳. برای پدیدارشناسی روح هگل، کتبه‌نوشت‌ها در ارجاع‌های پانویسی چنانند که در پی می‌آیند:

- II Gesamtausgabe or Jubiläumsausgabe
 GW IX *Phänomenologie des Geistes*, hrsg. Wolfgang Bonsieger und Reinhard Heede, Gesammelte Werke, Band 9 (Hamburg: Felix Meiner Verlag, 1980)
 Hoff. *Phammenologie des Geistes*, hrsg. Johannes Hoffmeister. Philosophische Bibliothek, Band 114 (Hamburg: Felix Meiner Verlag, 1952)
 E. T. *Phenomenology of Spirit*, trans. A. V. Miller (Oxford: Oxford University Press, 1977)

۱. م. ف: واژه‌های آلمانی مذکور با معادل انگلیسی‌شان غالباً به پانویس‌ها منتقل شده‌اند.

۲. م. ف: در شماره‌گذاری فارسی چنین تبعیتی مراعات نشده است.

۴. گذشته از پدیدارشناسی روح، به ترجمه‌های انگلیسی دومتن دیگر هگل در پانویس‌ها صرفاً با «E. T.» اشاره می‌شود. اینها چنین‌اند:

The Difference between the Fichtean and Schellingian Systems of Philosophy, trans. J. P. Surber (Atascadero. Calif.: Ridgeview Publishing. 1978) (*Jubiläumsausgabe* I; GW IV)

Hegel's Science of Logic, trans. A. Miller (Atlantic Highlands. N.J.: Humanities Press, 1976) (*Jubiläumsausgabe* III; GW XI-XII and XXI-XXII)

۵. همهٔ ارجاع‌های دیگر به ترجمه‌های انگلیسی در قلاب در پانویس‌های مربوط آمده‌اند.

این ترجمه به میزان سنجش‌ناپذیری مدیون کمک بلندنظرانه‌ای است که از Robert Bernasconi دریافت کرده است، هم از نظر آماده‌سازی ارجاع‌ها به چاپ‌های گوناگون آثار هگل، هم از نظر خواندن دقیق و سرشار از علاقهٔ متن‌ها. ما ژرف‌ترین سپاسمان را به وی ادا می‌کنیم، در عین اینکه مسئولیت کامل و نهایی کار ترجمه را به عهده می‌گیریم. نیز از John Sallis برای خواندن دقیق متن این ترجمه تشکر می‌کنیم.

ما سپاسگزار [بنیاد] موقوفهٔ ملی علوم انسانی^۱ برای پشتیبانی نسبی از این پروژه هستیم. نیز از کمیتهٔ تحقیق و توسعهٔ دانشکده‌ای کالج هنرهای لیبرال و علوم دانشگاه د پاول^۲، شورای پژوهش دانشگاه د پاول، کمیتهٔ پژوهش دانشگاهی ویسکانسین – لا کراس^۳ و کالج هنرها، ادبیات و علوم دانشگاه ویسکانسین – لا کراس سپاسگزاریم.

پرویز عماد

کیت مالی

1. National Endowment for the Humanities

2. DePaul University

3. University of Wisconsin-La Crosse